



۲۰۱۹/۰۸/۲۹



م. اسحاق نگارگر

## مردم و سردرگمی های اهل سیاست در افغانستان



یکی از فضل می لافد، دگر طامات می بافد  
بیا کاین داوری ها را به پیش داور اندازیم  
(حافظ)

متأسفانه کارزار های سیاسی در افغانستان به راهی رفته است که دیگر مردم عادی و مردم کوچه و بازار یعنی آنان که در قاعده اهرم جامعه کار میکنند و نان شب و روز خود را با هزار دُشواری به دست می آرند نمی دانند که در این گردباد های سیاسی راه خود را چه گونه پیدا کنند. آنان خود دیده اند که در همین سال های کوتاه عمر شان حق انسان و انسانیت پامال گردیده است و همان ها که امروز داد از هواخواهی مردم می زنند ارزش انسان و به طور خاص ارزش زنان را سخت پایین آورده اند.

مردم را بدون جرم محکوم قتل و نابودی کرده اند. به زیردستان خود اجازه فساد و غصب بیت المال و دارایی عامه داده اند و حتی به شهادت علنی یکی از همطرازان خود شان چون سدی در برابر عدالت ایستاده اند. آنکه جلو تطبیق عدالت را میگیرد خود را در مقام معاون جرم قرار میدهد و بالطبع سزاوار محاکمه و مجازات است یعنی نود در صد او طلبان حکومت بر مردم به نوعی از انواع اتهام تخلف از حقوق بشر را در سوابق سیاسی برخوردارند ولی اینان پیش از اینکه مردم را که طرف دعوی شان بودند مجال ابراز نظر و حق اقامه دعوا میدادند خود بر جای قضای نشستند و خویشتن را عفو نمودند. افغانستان کشور عجیبی است که همه رهبران و راهگشایان راه مردم قبول دارند که در افغانستان جنایات هولناک قتل و کُشتار رخ داده است و بالطبع عاملان آن نیز رهبران و عناصر تحت فرمان شان بوده است و حتی برخی از همین رهبران که مطمئن بودند که دیگر محاکمه ای در کار نیست صرف برای برائت خود دم از محاکمه مسؤولان نیز زده اند. به یاد بیاوریم حضرت رسول اکرم (ص) را که در حجة الوداع به اصحاب خویش فرمودند: «اگر حقی را تلف کرده باشم و یا بر کسی ستم کرده باشم اینک در برابر تان ایستاده ام تا حق خود را بگیرید و ستمی را که بر شما کرده ام به من اعاده کنید.» آنرا که به قول سعدی حسابش پاک بود از محاسبه پاک نداشت ولی رهبران تردامن امروز از محاسبه گریزان هستند.

وقتی افراد به یک جرم متهم میشوند اتهام تا وقتی در برابر یک محکمه عادل مطرح نگردیده و یک قاضی عادل در مورد رد یا قبول اتهام فیصله نکرده است متهم قانوناً حق ندارد خود را برای یک مقام حساس کاندید کند. در اتخاذ یک مقام حساس اجتماعی تنها تابعیت مدار اعتبار نیست زیرا اگر محاکمه اتهام بر ضد اینان را تأیید و حتی اینان را زندانی نیز کند زندانی شدن حق تابعیت شان را سلب نمی کند ولی حق رسیدن شان را به یک مقام حساس اجتماعی مسلماً از ایشان سلب میکند زیرا رئیس جمهور نباید سابقه جرمی و آنهم جرم تخلف از حقوق افراد داشته باشد بنا براین ضرور بود که مدافعان حقوق عامه یا لوی خرنوال این اتهامات را تحقیق و به محکمه پیش می کردند و مجرم و بری الذمه را از هم تفکیک و هر دو دسته را به مردم معرفی میکردند که نکرده اند و به همین دلیل مردم نمی توانند براین همه متهم که اکثریت جامعه گواه اعمال شان است اعتماد کنند.

یک مضحکه دیگر در انتخابات افغانستان این نیز است که سیاستمداران همانند فروشندگان دوره گرد از این کوچه بدان کوچه یا از این گروه بدان گروه می روند تا زر قلب خود را در بازار انتخابات بچلانند. اینان که مردم را به عنوان انسانهای مستقل و صاحب اراده قبول ندارند بر سر رأی شان با دیگران معامله می کنند و این مسأله خود بازار تقلب را گرم نگاه میدارد.

من میدانم که در این کارزار شیر و خط اندازی سکه ریاست به نام چه کس اصابت میکند اما میدانم که این انتخابات نیز گره هیچ مشکل را باز نمی کند زیرا که باز همان چانه زنی های قومی باقی میماند. در حال حاضر تلقی همه سیاستمداران این است که هرکس در صف من است و برای من سرود زنده باد؛ مُرده باد میخواند خوب است ولی اگر در صف رقیبان من رفته است بد است. حالا فکر کنید که در افغانستان چندین قوم بزرگ و کوچک وجود دارد که اگر هر قوم بر حضور بالفعل در دولت اصرار داشته باشد دولت به شورای اقوام بدل میشود و وقت در بگومگو های اقوام ضایع می شود.

حرف آخر نیز این که بدبختانه باز سلب اراده مردم سبب آن گردیده است که دولت وجه المصلحه امریکا و گروه طالبان می خواهد شود. یعنی یک جلسه بن دیگر در راه است و می خواهند عناصری را که هرگز با هم کنار نمی آیند در یک دولت به زور نفوذ خارجی ها پهلوی هم بنشانند و راه خود بگیرند و بروند اما پرسش من بسیار ساده است:

• آیا امریکا آن عملیات انتحاری را که در شهر های مختلف افغانستان رخ داده و سبب قتل بیگناهان گردیده

است عملی برخلاف حقوق بشر میداند یا نه؟

• و آیا امریکا براین گونه عملیات انتحاری به عنوان تکتیک جنگی صحه میگذارد یا نه؟

اگر میگذارد پس دموکراسی خود را در نظر جهانیان مسخره و با متخلفان حقوق بشر بر ضد مردم افغانستان مصلحه میکند. مردم برضد این گروه های انتحاری دعوی قتل عمدی عزیزان خود را دارند و باید محاکم شرعی به این دعوای قتل رسیدگی بکنند. امریکا حق ندارد برخلاف اراده مردم افغانستان به نام حکومت مؤقت یک حکومت هشت رخ و نه گرد دیگر را به افغانستان تحمیل کند. منطقی ترین است که بگذارند انتخابات برگزار شود و دوران حکومت هشت رخ و نه گرد جان کری به پایان برسد و قدرت در یک دست بیفتد و یک حکومت بالنسبه مسؤول که صلاحیت مردم را با خود داشته باشد به وجود بیاید و کار مذاکره با طالبان را به پیش ببرد زیرا که سیاستمداران تکرو که در مسکو و دوحه با طالبان نشسته اند صلاحیت نمایندگی از مردم افغانستان را ندارند. طالبان خوب از مقام جویی ها و فرصت طلبی های اعضای غیرطالب این به اصطلاح حکومت مؤقت خوب آگاه استند و میدانند که مدتی به این

خروسان اخته باید دانه و نواله بدهند و آنانرا چاق کنند. خروسی که در دستِ توست هر وقت که اذان بیوقت داد میتواند کرد بر گلویش بگذاری! اکنون که رئیس جمهور امریکا ضد و نقیض می بافد و می بینی که گاهی دو گوش خود را گرفته میخوهد از افغانستان برود و گاهی از عدم اعتماد بر طالبان صحبت میکند و میخوهد خروج خود را از افغانستان به تأخیر بیندازد جهان باید در کنار افغانستان بایستد و به مردم مجال این را فراهم کند که افغانها زیر نظارتِ ملل متحد از طریق یک انتخابات فارغ از نفوذ و تقلب حکومتِ دلخواه خود را انتخاب کنند تا هم لعل به دست آید و هم یار نرنجد. هم خار تشویش در بغل امریکا نیش نزند و هم تعلیم و تربیه جوانان و به طور خاص دختران گرفتار قید و محافظه کاری های طالبان نگردد.

فاعتبروا یا اولی الابصار نگارگر ۲۷ آگست ۲۰۱۹ برمنگهم

\*\*\*\* \* \* \* \* \*\*\*\*

تذکر:  
هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که سروده ها و مطالب دیگری از این نویسنده معزز را مطالعه کنند، میتوانند با اجرای "کلیک"ی بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به فهرست "آرشیف" شان رهنمائی شوند.

مردم و سردرگمی های اهل سیاست در افغانستان

[i\\_negargar\\_mardom\\_wa\\_sardargomi\\_ahl\\_siyasat.pdf](#)